

۱۷۶۸۸



قُوَّةُ الْحَمِيْدِ فِي اِهْيَاتِ الثَّقَلَيْنِ

آيت الله العظمى
ابو الصّدر سيد محمد حسين مرتضوى لنكرودى

قرّة العین فی الہیات الثقلین

آیت الله العظمی ابو الصّدر سیّد محمد حسین مرتضوی لنگرودی

انتشارات دلیل ما

چاپ اول: زمستان ۱۳۹۹

تیراژ: ۱۰۰۰ نسخه

چاپ: نگارش

شابک: ۰ - ۲۴۲ - ۴۴۲ - ۶۰۰ - ۹۷۸

تلفن و نامبر: ۳۷۷۴۴۹۸۸ - ۳۷۷۳۳۴۱۳ (+۹۸۲۵)

دفتر مرکزی: قم، خیابان معلم، مجتمع ناشران، طبقه ششم، واحد ۶۱۲ و ۶۱۳

(ارتباط با ما) dalilema@yahoo.com | www.dalilema.ir (خرید آنلاین)

قیمت: ۲۸/۰۰۰ تومان

مراکز پخش

قم. خیابان معلم. مجتمع ناشران العظمی B. واحد ۴۴ | تلفن: ۳۷۷۳۳۴۱۳ و ۳۷۷۴۴۹۸۸
قم. خیابان صفائیه. رویروی کوچ - بلاک ۷۵۹ | تلفن: ۳۷۷۳۷۰۱۱ و ۳۷۷۳۷۰۰۱
تهران. خیابان انقلاب. خیابان فخررازی. نیش بس - بلاک ۶۱ | تلفن: ۶۶۴۶۴۱۴۱
مشهد. چهارراه شهداء. ضلع شمالی باغ نادری. کوچه شهید خوراکیان. مجتمع کتبیہ کتاب - بلاک اول | تلفن: ۳۲۳۳۷۱۱۳-۵



انتشارات دلیل ما

www.dalilema.ir

مرکز نشر و پخش کتب معارف اهل بیت

۹ سال ناشر نمونه و برگزیده کشوری

با تولید بیش از ۱۰۰۰ عنوان کتاب

مرتضوی لنگرودی، سیّد محمد حسین، ۱۳۰۷ -

احادیث خاص (فرجه) فارسی، شرح

Hadiths, Special (forjeh) . Persian Commentaries*

قرّة العین فی الہیات الثقلین / سیّد محمد حسین مرتضوی لنگرودی.

تهران: دلیل ما، ۱۳۹۹.

۲۰۰ص: ۴/۵x۲۱/۵ اس م.

شابک
978-600-442-242-0

فیبا

وضعیت فهرستویسی

یادداشت

عنوان و پدیدآور

موضوع

مشخصات نشر

مشخصات ظاهری

شابک

وضعیت فهرستویسی

یادداشت

عنوان و پدیدآور

موضوع

مشخصات نشر

مشخصات ظاهری

شابک

وضعیت فهرستویسی

کتابنامه به صورت زیر نویس.

احادیث خاص (فرجه) -- نقد و تفسیر

Hadiths, Special (forjeh) -- Criticism and interpretation*

توحید -- احادیث

Tawhid (Unity of God) -- Hadiths*

خداشناسی (اسلام) -- احادیث

Hadiths* -- Knowableness -- God (Islam)

BP۱۴۵:

۲۹۷/ ۲۱۸:

۷۵۰۵۱۲۴:

فیبا

رده بندی کنگره

رده بندی دیویی

شماره کتابشناسی ملی

وضعیت رکورد

فہرست مطالب

- ۹..... شرح حال مختصری از مؤلف و مصنف محترم دامت برکاتہ
- ۹..... اساتید معظمہ دروس عالی ایشان:
- ۱۱..... دیباچہ و پیشگفتار:
- ۲۰..... تبصرہ:
- ۲۷..... مقدمہ:
- ۳۳..... حدیث شریف برہان فرجہ.....
- ۴۴..... سبب پنداشتن یک قطعہ بودن خارج مشہود:
- ۴۵..... نوع تقابل تنہی و عدم تنہی:
- ۴۵..... تذنیب و تنقید:
- ۴۶..... تنبیہ و تنقیدی دیگر:
- ۵۱..... رفع مشکل ربط حادث بہ قدیم:
- ۵۳..... تنبیہ:
- ۵۷..... وجود خلائق متعدد و متکثرند و یک قطعہ نیستند:
- ۵۷..... شکافہایی کہ در اثر تقاطع بہ چشم می خورد:
- ۶۰..... تنبیہ:
- ۶۱..... صفات خلائق مانند وجودشان معجول ذات کبریایی است:
- ۶۲..... اصالت در خالق متعال:



- اشکال به اصالت جوهری ماهیت و اصالت عرضی وجود، و ردّ آن: .. ۶۵
- دلیل این مدعا از آیات و روایات: ۶۶
- نقدی بر مبنای گروه فلاسفه و غیر آنان ۶۸
- ذکر پاره‌ای از اوراد در این رابطه: ۷۱
- ذاتی غیر معلّل آن نیست که تغییرش محال و غیر ممکن باشد: ۷۱
- مراد از «لا یغیر» صعوبت تغییر است: ۷۳
- عدم سلب اختیار ذاتی غیر معلّل از صاحبش: ۷۳
- نقدی به ظاهر قول بعضی از فلاسفه: ۷۴
- تشبیه «شقی»، «سعید» و «عادی»: ۷۴
- سازگاری معنای ذاتی با اختیار: ۷۶
- نقدی وارد بر برخی از فلاسفه: ۷۶
- تأسّف از متمرّدان و درجاردگان ۷۷
- در ردّ اشکالی که گاه به ذهن خلجان می‌گردد ۷۷
- ردّ اشکالی دیگر: ۸۰
- بیان یک اشکال و پاسخ آن: ۸۹
- یک شبه ایراد و پاسخ آن: ۹۰
- تنبیه: ۹۴
- اشاره به برکاتی از معارف دین مستفاد از حدیث شریف برهان فرجه: ۹۴
- مهمترین دلیل فلاسفه بر قدّم عالم، و ردّ آن: ۱۰۱
- نقدی بر یکی از مبانی فلسفه: ۱۰۴
- علّت ابتلای فلاسفه به این عویصه: ۱۰۵
- نقد دیگری بر مبانی فلاسفه: ۱۰۵



- ۱۰۶..... تنبیہ:
- ۱۰۹..... نکتہ قابل توجہ:
- ۱۱۱..... علّت عدم درک اهل معقول نسبت به قسم سوّم اشتراک معنوی:
- ۱۱۲..... نقدهایی بر مبنای مشهور اهل معقول:
- ۱۱۳..... یادآوری نکته‌ای که شایسته است:
- ۱۱۴..... اشکال و پاسخ آن:
- ۱۱۵..... وهم و دفعی برازنده:
- ۱۱۷..... تنبیہی برازنده:
- ۱۱۹..... خاتمه:
- ۱۱۹..... فرقه‌های الہیات ثقلین با الہیات متداول:
- ۱۵۴..... در اشاره به معظم متون منابع این الہیات از آیات و روایات
- ۱۵۹..... ختام امر
- ۱۶۱..... ایقاظ
- ۱۶۲..... در بطلان فرضیہ
- ۱۶۸..... خاتمہ کتاب
- ۱۶۸..... مقاله‌ای در اثبات حدوث عالم زماناً:
- ۱۷۶..... استدراک متین و سزاوار:
- ۱۷۹..... انجامز وعدہ داده شده:

دیباچه و پیشگفتار:

شایسته است قبل از ورود به بحث و تحقیق از باب تیمن و تبرک به بعضی از احادیث شریفی که به این بحث الهیات مربوط است اشاره شود.

مرحوم ثقة الاسلام کلینی در کتاب کافی از امام باقر علیه السلام روایت کرده است که آن حضرت بعد از جملات: «بِنَا عُبِدَ اللهُ وَبِنَا عَرَفَ اللهُ وَبِنَا وَحَدَّ اللهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى» فرمودند: «وَمُحَمَّدٌ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ حِجَابُ اللهِ تَبَارَكَ وَتَعَالَى»^۱. روشن است که مراد حضرت آن است که

۱ - یعنی معرفت تفصیلی خداوند متعال آنگونه که باید و شاید از طریق امامت منتهی به وجود رسالت حاصل می شود، وگرنه معرفت اجمالی (که به فطرت حاصل است) عکس خواهد بود؛ چنانکه در دعا آمده است: «اللَّهُمَّ عَرَفْنِي نَفْسِكَ فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تُعَرَفْنِي نَفْسِكَ لَمْ أَعْرِفْ نَبِيَّكَ ... إلخ»؛ کافی، ج ۱، ص ۳۳۷، ح ۵.

۲ - کافی، ج ۱، ص ۱۴۵، ح ۱۰.

پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ حجاب عقول است، و معرفت خداوند متعال - آنگونه که باید و شاید - و نیز معرفت سایر امور و حقایق ماورای طبیعت از غیر طریق حضرت محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ مثلاً از طرق عقل و کشف و شهود و استدلال مبتنی بر علل و اسباب طبیعی و عادی امکان ندارد، بلکه این معرفت را باید از طریق آن حضرت (که طرق شرعیۀ کتاب، سنت، سیره قطعیه و نظایر آنها است) به دست آورد، و گرنه هلاکت است.^۱

نظیر این روایت است حدیث لوحی که در دست حضرت فاطمه علیها السلام بوده است؛ در آن حدیث آمده است: «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ هَذَا كِتَابٌ مِنَ اللَّهِ الْعَزِيزِ الْحَكِيمِ لِمُحَمَّدٍ نَبِيِّهِ وَنُورِهِ وَسَفِيرِهِ وَحِجَابِهِ وَدَلِيلِهِ ... إلخ»^۲.
و همچنین احادیث دیگری وجود دارند و می‌رسانند که مکلف پس از به دست آوردن اصول عقاید (از مبدأ و

۱ - این حقیقت را رؤیای صادقه مذکور در حرف «سین» کتاب مجمع

البحرین تأیید می‌کند؛ مجمع البحرین، ج ۶، ص ۲۶۹.

۲ - کافی، ج ۱، ص ۵۲۷، ح ۳.

معاد و نبوت و امامت) از راه فطرت و غیر آن به طور اجمال، موظف نیست برای معرفت تفصیلی آن اصول و همچنین سایر عقاید و احکام دین به آن طرق شرعیّه سلوک نماید.

متأسفانه مسلمین به طور ناخودآگاه از دو راه دیگر مجموعاً سه راه سلوک می نمایند که جداً سزاوار بررسی است:

اول: همان راه محکّمات کتاب و ظواهر سنت و روایات حضرات معصومین علیهم السلام که مورد نظر روایات «حجاب عقول» نامبرده می باشد؛

دوم: راه عقل و استدلال آن؛

سوم: راه کشف و شهود.

اما راه اول - اگر نگوئیم که متعیّن است^۱ - باید گفت که این راه بدون شک و شبهه بهترین و سالمترین

۱ - به لحاظ آنکه خداوند متعال از باب لطف پس از اعتقاد اجمالی فطری از این راه، به وسیله انزال کتب و بعث رسل و نصب امام و «كَلَّ مَا يَقْرَبُ الْعَبْدَ إِلَى الطَّاعَةِ وَيُبَعِّدُهُ عَنِ الْمَعْصِيَةِ» ابلاغ و ارشاد فرموده است.



راهی است که مکلف متدین در آن ذهن خود را از اغراض و اوهام خالی کرده و مراد واقعی حق را از مجموع کتاب و سنت بدون تأویل به دست آورد.

به عبارت دیگر، کتاب و سنت را بر مراد خود تطبیق نکند، بلکه مراد حقتعالی را به گونه تفسیر به دست آورد، و مطمئن باشد که در کتاب و سنت خلاف مستقلات عقلیه وجود ندارد. و اگر در غیر ضروریات توهم شود، از لحاظ کنایه که ابلغ از تصریح و ظاهر است قابل توجیه باشد، علم آن را به اهلش واگذارد.

اما راه دوم، باید مواظب بود که استدالات، تمثیلات و استحسانات ظنی نظیر قیاسات و استحسنات تمثیلی عامه که در احکام دین به کار می‌برند نباشد؛ زیرا بسیاری از استدالات عقلی اهل معقول و فلسفه - به استثنای مستقلات عقلیه - به ویژه آنچه که با کتاب و سنت و ضروریات دین مخالف باشد، اطمینان‌آور نیست، و مخصوصاً به لحاظ اختلاف آرای که دارند می‌توان گفت که همان استحسانات ظنی‌های است که به آنها

اصالت داده‌اند؛ دقت شود.

اساساً برای کسانی که از طریق فطرت و آیات و براهین قطعی به دین و شریعت متدین شده‌اند درست نیست که غیر از راه اول راه دیگری مثل همین راه دوم را انتخاب کنند، و همچون روش فلاسفه با علل و اسباب طبیعی، استدلال آزاد کنند، هرچند نتیجه بر خلاف راه اول به دست آید، مگر آنکه این استدلال همچون روش متکلمین به طور آزاد نباشد، بلکه به جهت تثبیت و استحکام عقاید در برخی از اذهان باشد. روشن است که ممانعت از این استدلال آزاد در این مورد جلوگیری از پیشرفت علم و دانش که برخی - جهلاً و یا تجاهلاً - توهّم کرده و می‌کنند نیست؛ زیرا اولاً: این استدلالات ممنوعه در واقع به جهت نوعاً استحسانات ظنی مورد اختلاف هستند علم و دانش واقعی محسوب نمی‌شوند.

و ثانیاً: منظور از منع، سدّ قیاس مافوق طبیعت به امور طبیعی است، و ردّ دخل و تصرف در عقایدی است

